



عیدانه‌های هنر مندانه

عید یعنی در کنار هم بودن

پولاد کیمیایی

بازنگر



گاهی صحبت درباره مقوله‌ای خاص کار سختی است. این که آدم بخواهد در چند جمله به تمام اتفاقاتی که در طول یکسال برایش افتاده اشاره کند، ممکن نیست اما شاید بتوان برخی از آنها را مرور کرد...

مادر موقعیت مهم تاریخی به‌سرمی‌بریم و تقریباً به‌لحاظ اقتصادی شرایط سختی را تحمل می‌کنیم. تورم و گرانی در کشورمان پیدای می‌کند و متأسفانه مسأله‌ای که این روزها به‌دغدغه بسیار بزرگی برای مردم کشورمان تبدیل شده، گرانی است! گفتم بحران! اما فکر می‌کنم بحران و گرانی در مفهوم عید نمی‌گنجد! عید یعنی همه‌چیز ارزان باشد و مردم در امنیت کامل به‌سر ببرند. متأسفانه هر سال که می‌گذرد، معنای واقعی این مفهوم تغییر پیدا می‌کند! مردم وقتی به خرید عید می‌روند و می‌خواهند آجیل و میوه بخرند با قیمت‌های گزافی مواجه می‌شوند! این نهایت بی‌انصافی است.

انصاف نیست کار گری - که متوسط در آمدش زیر یک‌میلیون تومان است - برای خرید یک‌عدد مرغ ۱۸ هزار تومان پول بپردازد. احساس می‌کنم بعضی از فروشندگان خودشان این قیمت‌ها را دستکاری می‌کنند. در مقابل چنین اتفاقی اگر شکای به تعزیرات هم شکایت کنند، تازه بعد از یک‌سال پرونده‌اش به قوه‌قضائیه می‌رود که در این صورت یا شش‌ماه متخلف را جریمه می‌کنند یا ماجرایش در میانه‌ها خامه می‌یابد!

امیدوارم درسال جدید مسئولان راه‌حلی ارایه دهند تا جلوی این اتفاقات و همچنین ترافیک و شلوغی‌های شهر گرفته شود. چون وقتی اتوبان را تنگ می‌کنیم و ۲۰ قدم از یک لاین به لاین دیگر حرکت می‌کنیم، به غیر از زشتی‌ها متوجه چیز دیگری نمی‌شویم. همه به‌هم می‌برند و بحث و دعوا می‌کنند! متأسفانه این بی‌نظمی فرهنگ کشور را خدش‌دار می‌کند. نمی‌دانم چرا برخی از تغییرات که باید به وجود بیاید، رخ نمی‌دهد و جلوی این بی‌نظمی‌ها که حتی خودمان هم می‌توانیم با تدبیر آنها را از میان ببریم، گرفته نمی‌شود. انگار باید برخی به شکل غیر قانونی رفتار کنند یا توپ و تانگ باورند تا اتفاق خاصی بیفتد؟! امیدوارم هر چه زودتر

نگذاریم کسی در این ایام تنها بماند

حسن فتحی

کارگردان



آرزو دارم سال ۹۴ آمیخته با آرامش و شادکامی بیشتری برای مردم ایران و همچنین هموطنان سراسر دنیا باشد، کاش مشکلات و رنج‌ها کمتر باشند. کاش سینمای ایران هم با اضطراب و استرس کمتری بتواند آثارش را تولید کند...

خاصیت بهار این گونه است که ناخودآگاه احساس نو شدن و طراوت و دوباره متولد شدن با خود به‌همراه دارد. احساس سلام دوباره به زندگی، امیدواری به زندگی و... توصیه می‌کنم همه کسانی هم که در این ایام به سفر می‌روند، در جاده‌ها مراقب رانندگی کردن خود باشند. مسائل

کودتای اختلاس‌های چند میلیاردی!

فرزاد مومتن

کارگردان



آرزوی من کهم در سال جدید دیگر کسی نتواند اختلاس کند و هر چه زودتر جلوی این اختلاس‌های چند صد میلیاردی گرفته شود. صدهای این معضل یکی، دو تانیست. علاوه بر این که سرمایه‌آرزی از بین می‌رود و بانک مرکزی اسکناس چاپ می‌کند، حاصل تمام این اتفاقات دودش به چشم طبقه متوسط جامعه می‌رود.

بی‌دغدغه خوش بگذرانید

گلاب آدینه

بازنگر



سال نو را به همه هموطنانم تبریک می‌گویم و

در سرتارندگی کنیم، حتی در نوروز!

بیژن بنفشه‌خواه

بازنگر



آرزوی من برای مردم و همه هنرمندان است که سال خوب همراه با شادمانی و تندرستی پیش‌رو داشته باشند. از همه می‌خواهم در ایام تعطیلات نوروز درست رانندگی کنند و به همه

به این مسائل رسیدگی شود تا حداقل در صدی از مشکلات کشورمان از بین بروند. امیدوارم دستاورد دولت تدبیر و امید برای آغاز سال نو به‌بختی‌های برسد. با توجه به تلاش‌ها و سختی‌هایی که رئیس‌جمهوری و روسای مهم کشور امسال و همچنین سال گذشته از خود نشان دادند، امیدوارم سال جدید اتفاق‌های مهمی در این زمینه بیفتد.

مثلی هست که در آن می‌گویند، سالی که به شنبه بیفتد، سال خوبی است. چه‌بسا اتفاق‌هایی که در سینما افتاد، همه نشان از تغییرات مثبتی بود که در این زمینه رخ داد. نشانه‌ها حاکی از آن است سال متحولی خواهیم داشت و تمام اتفاقات خوبی که در انتظارش بودیم، خواهد افتاد. در سال ۹۳ به‌عنوان مثال اتفاقاتی که در صداوسیما به‌وجود آمد و همچنین مذاکرات منطقه‌ای، همه اتفاقات خوب امیدوارکننده‌ای بودند. امیدوارم حاصل این اتفاقات را در سال آینده ببینیم.

امیدوارم در سال جدید اتفاقات خوشایندی بیفتد و جلوی بی‌عدالتی‌ها و گرانی‌ها گرفته شود. دولت و شهرداری تدبیری ببندیشند و این مشکلات هر چه زودتر از سر راه برداشته شوند. چون بزرگترین ضربه به خودمان وارد می‌شود.

من در این ایام دنبال کار ساخت اولین فیلم هستم که قرار است به‌زودی کلید بخورد، اما توصیه‌ها و پیشنهادهای مردم عزیز کشورمان این است که از این پیش‌قدمی که در کنار هم بودن نهایت استفاده را ببرند، چون در ایام عید خیلی نمی‌توان لحظه‌ای را پیدا کرد که آن را به کتاب خواندن و فیلم دیدن اختصاص داد. بیشترین وقت صرف دید و بازدیدهای خانوادگی می‌شود. عده‌ای هم به مسافرت می‌روند. دوسال پیش عید تهران بودم در روزهای خلوت تهران، در ترافیکی ماندم. در حوالی اتوبان مدرس - همت دیدم همه خودروهایشان را پارک کردند و برای تفریح و عکس گرفتن به فضای سبز رفته‌اند. یک لحظه از این حرکت تعجب کردم که چرا میسر این همه شلوغی و ترافیک یک‌سری به پارک رفته‌اند؟! آن هم وسط اتوبان! بعد که به عمق این قضیه فرو رفتم، فهمیدم که کم‌کم باید همیشه با هر میزان درآمدی که دارد سعی کند بیشترین استفاده را از لحظات زندگی‌اش ببرد. چون زندگی همین لحظات است. همین که با هم باشیم، نهایت خوشبختی است. امیدوارم که همه با‌هم آنچه دارند از داشته‌ها و لحظه‌هایشان بیشترین استفاده ببرند.

حمید حامی

استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه تاریخ



یکی از خاصیت‌های فروردین ماه این است که اغلب کینه و کدورت‌ها و جنگ و جدل‌ها از میان برداشته می‌شود. تنش‌ها کمتر می‌شود و اغلب مردم شاد هستند. مهمانی می‌روند، آجیل می‌خورند و کمتر دچار بحران و درگیری می‌شوند. مثل ماه رمضان مردم حالشان خوب است. اما یکی از مشکلات فرهنگی ما معضلات ترافیک و احترام‌نگذاشتن مردم نسبت به یکدیگر است که این قضیه در سال‌های اخیر بیشتر به‌چشم می‌خورد. امیدوارم مردم در سال جدید مهربان‌تر و رفتار مناسبی با هم داشته باشند. ما ایرانی هستیم، همه در یک کشور زندگی می‌کنیم و باید در یک بستری نسبت به هم داشته باشیم. همه ما انسان هستیم و مخلوقات خداوند و نباید با هم به بدی رفتار کنیم و این رفتارهای زنده را - خصوصاً در رانندگی - از خود نشان دهیم. امیدوارم در سال جدید همه مردم به قوانین رانندگی احترام بگذارند. تا جای ممکن از

شکر که بهار رسیده...

شنیدن به موسیقی‌های رب و صداهای ناخنجاری که باعث برهم زدن آرامش می‌شود، کناره‌گیری کنند چون احساس می‌کنم یکی از علت‌های مهمی که در رانندگی اختلال ایجاد می‌کند، گوش دادن به این نوع آهنگ‌هاست...

هر چند موسیقی - خصوصاً موسیقی پاپ - در سال‌های اخیر به‌سمت بیراهه رفته است، اما امیدوارم که سال ۹۴، سال خوبی برای این عرصه باشد و خواننده‌ها و پدیده‌های جدیدی به آن معرفی شوند. امیدوارم فیلم‌هایی هم که مردم در این ایام دنبال می‌کنند به انتخاب خودشان باشد و حتی برای برخی فیلم‌ها هم خودشان ممیزی ایجاد کنند چون در اکثر کشورهای خارجی می‌سن تماشاگران مشخص است و تعداد محدودی از افراد حق دارند که به تماشای برخی فیلم‌ها بنشینند. اما در ایران کارتون‌هایی که بچه‌های زیر ۱۵ سال می‌بینند، متعلق به ۱۴ و ۱۵ سال به بالاست. باید که برخی خودشان - خصوصاً افراد تحصیل‌کرده و آسائید - در مورد راز عایت می‌کنند، اما معتقدم باز هم توجه به این مسأله را عایت کنند.

برای اعتلای شادی، امید و ثبات امنیتی دعا کنیم

خسایار اعتمادی

خوشنود



سالی که گذشت برای اهالی موسیقی به لحاظ ثبات امنیت، سال خوبی نبود. همه ما به دنبال این هستیم که قوانین در همه حیطه‌ها رعایت شود و ما به ثبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... برسیم چون این تبعیض‌ها و قانون‌شکنی‌ها در همه‌جا وجود دارد، نه تنها عرصه موسیقی البته همه دولت‌مردان و مردم در تلاشند که قوانین رعایت و ثباتی بر جامعه حکمفرما شود و تنها قشر کوچکی هستند که از این بی‌ثباتی‌ها بهره می‌برند که البته آنها هم مطمئن باشند تنها در مقطع کوتاهی به خاطر این آشفتگی‌ها خوشحال خواهند ماند، چرا که خودشان هم در درازمدت دچار چالش خواهند شد. ما در سال جدید به ثبات امنیتی در همه حوزه‌ها نیاز مندیم. عادت، سنسنت‌ها و این‌های ملی و دینی ما جزو باورهای ریشه‌دار ملت باستانی ما است که نسل به نسل با گذشتن به‌ما رسیده‌اند و قرار است ما هم آنها را به نسل‌های آینده منتقل کنیم. کشورهای بسیاری هستند که پیشینه تاریخی ندارند اما با ایجاد بدعت‌ها برای خودشان این‌ها و رسوماتی را درست می‌کنند تا شاید هزاران سال بعد به سنت‌هایشان تبدیل شود اما در مورد ما ایرانی‌ها این گونه نیست چرا که ما این‌ها را از نیاکان ما می‌ورثیم و این نشانه‌ها و این‌ها مبین قدمت سرزمین ما در ایران است. من هم به نوبه خودم همانند

دیگر هموطنان به این عادات و سنن پایبند هستیم. همچنین فکر می‌کنم شرع ما نواسته به لحاظ اخلاقی این این‌ها را تکمیل کند، همانند سفارش به عبادت از بیماران، توجه و محبت به بزرگ‌ترها، دستگیری از مردم تهیدست و مشکل‌دار، کمک به همدیگر، تلاش برای خوشحال کردن دیگران، سر زدن به کسانی که خدای ناکرده عزیزی را در سال پیش از دست داده‌اند و به قول معروف عید اولشان است، همه و همه در کنار نو شدن طبیعت، شکوفه دادن گل‌ها، هر چند امسال زمستان سنگین و پر بارشی نداشته‌ایم به حال هوای نوروز رنگ و بوی دیگر بخشیده است. چه خوب است خصوصیات و اخلاق انسانی ما هم در این فصل شکوفا شود، مهم‌تر آن که برای اعتلای شادی، نشاط و شادابی کنیم. دعا کنیم همه در کنار هم شاد باشیم، حتی برای آرزوهای محال. همدیگر هم دعا کنیم چرا که هر چه تعداد انسان‌های خوشبخت‌تری کره زمین بیشتر باشد جزو نیکان می‌شود. شایسته‌ترین، جذاب‌تر و ساده‌تر و کرامت، شد. اگر حالات تنها مختص به قشر خاصی باشد، خود آنها هم نمی‌توانند از زندگی‌شان لذت ببرند و شاد باشند. چون می‌دانند در جایی دیگر عده‌ای ناراحت هستند، بنابراین همه ما باید دعا کنیم که همه عزت، کرامت، سلامتی، شادی و ثروت داشته باشند. هر سال سر سفره هفت‌سین منظر هستم تا خداوند بزرگ‌ترین عیدی را به من بدهد، آن لحظه تنها آرزوهایم را به زبان می‌آورم، آرزوهای همانند حفظ سلامتی عزیزانم! آرزوهای دیگری هم دارم، اما همیشه بیش از خواستن‌شان دعا می‌کنم. خداوند ابتدا آنها را برام خیر کند سپس اجابت‌شان کند.

دست از سر هنر مندانه بردارید

بهباد فراهانی

بازنگر



اجرای آداب و سنت‌های نوروز از تباطا زیادی به مسأله اقتصاد مردم دارد، یعنی زمانی که اقتصاد مردم سالم باشد آنها می‌توانند به سنت‌ها، تعهدها و... بپردازند. وقتی هم که اینطور نیست، مسلماً نمی‌توانند برای بچه‌هایشان لباس نو بخرند، آجیل و شیرینی تهیه کنند یا روحیه ایسن را ندارند که سبزه ببندازند، ماهی قرمز بخرند و سفره هفت‌سین‌شان را تکمیل کنند. در واقع همه اینها ارتباط مستقیمی به وضع اقتصادی دارد که متأسفانه این روزها خوب نیست و این شرایط را برای همه سخت و دشوار کرده است. اگر من هم بخوایم برای مردم کشورم در هر کجای دنیا که هستند آرزویی کنم همانند آنچه همه برای همه می‌خواهند سعادت، سلامت و خوشبختی را آرزوی می‌کنم اما آرزوی شش‌شوی ام، آرزویی که برای سال ۹۴ مردم دارم این است که همه ما به یک شرایط

هنوز از ته‌دل می‌خدم

بهرروز غریب پور

کارگردان



شهر با صفای ما پیش از عید دینی بود؛ سنندج زیبا، کوچک و بزرگ می‌شد؛ مردانی به اطراف شهر می‌رفتند تا خاخر جمع کنند و پشته‌های خار را در کوچه و بازار بفروشدند چون ما شب تحویل سال بر بام‌های خانه‌ها مان که مطبق بود یا به خانه‌های همسایه راه داشت با لباس‌های اغلب نو جمع می‌شدیم، بادبادک شمع‌دار به هوای فرستادیم، آتش روشن می‌کردیم و دور تا دور آتش حلقه می‌زدیم و پایکوبی می‌کردیم. صبح روز عید در خانه و کوچه و خیابان بساط تخم‌مرغ بازی به‌راه می‌افتاد و هر کسی به دیگری که می‌رسید حتی اگر قهر هم بودند به یکدیگر عید مبارکی می‌گفتند: جزو نیکان می‌شوی! (چشمتان مبارک) و گردنه‌های آزا که (حلامان کن) می‌گفتند. شهر را شوروی دو سینما در سنندج بود که در روزهای عید کار و بارشان نسکه بود؛ فیلم شب عید و تئاتر‌هایی که از راه همانان به سنندج می‌آمدند؛ من نخستین بار صابر آتشین و دختر او را که هم‌سن و سال خودم بود را در صحنه یکی از این دو سالن سینما فرودوسی دیدم. نعمت‌الله گرجی را هم در سالن دیگری «سینما رونف» به یاد می‌آورم... غلغله بود. مهم نبود که چه می‌گویند و نمایششان سطحی است بلکه مهم بود که آنها در شادمانی ما شریکند... بر بلندای شهر

بخشندگی را از بهار بیاموزیم

می‌شود تن که سالم باشد، عقل هم سالم می‌ماند. اما اگر تن سالم نباشد، نمی‌تواند جزایب انرژی‌های درونی و بیرونی را بدهد. این موضوع به‌انگیز است. سلامتی مهم‌ترین داده‌ای طبیعت یاد بگیریم. بهار رستاخیز حیات است. هیچ چیزی بالاتر از زندگی نیست. نوروز، معنای واقعی زندگی را به ما عینت نشان می‌دهد. نوروز از آن ایامی است که هرگز نمی‌توانیم آن را فراموش کنیم، خصوصاً خاطره سینمایی سبزی خوردن که تریچه، ترخون و نعنا در آن به چشم می‌خورد. آمدن نوروز هم‌زمان است با زیباتر شدن هوا، شکوفه‌دادن گل‌ها و درختان و... همه اینها تا بگذرانیم است که زندگی از نو زنده شده و ما باید از آن الگو بگیریم. نوروز برای من سمبل خرد است. اگر به شعار دادن تعبیر نشود، برای مردم آرزوی خوشبختی، برکت و سلامتی می‌کنم. سلامتی موقعیت استثنایی است که به یک انسان داده

دموکراتیک برسیم تا همه از زندگی خوبی بهره‌مند شوند چرا که ما کشور غنی هستیم و چطور می‌شود نتوانیم مردم‌مان را از معیشت سالم و درستی برخوردار کنیم. متأسفانه در این سال‌ها می‌انگیزیم کتاب خواندن در کشور ما به صفر رسیده است. بعضی معتقدند اینترنت مطالعه مردم ما است. در حالی که به نظر من مردم ما اشتیاق خواندن‌شان را از دست داده‌اند چرا که این موضوع هم به روحیه افراد مربوط است. وقتی نمی‌توانیم بخندیم و دل‌مردگی در فضای جامعه وجود دارد، چطور می‌شود به مردم احترام بگذارند و این‌ها را به همان اندازه جدید نتوانند همدیگر را بیشتر دوست بدارند و به احترام بگذارند تا چون این وضع سبب شده مردم این روزها کم‌حوصله و عصبی‌تر باشند. برای هنرمندان تنها یک آرزو دارم، مدیران در سال جدید دست از سر هنرمندان بردار و بگذار آنها کارشان را انجام دهند. نوروزتان پیروز!

یک باشگاه بود؛ باشگاه افسران که من در همان جا نخستین چرخ و فلک زندگی را دیدم؛ حتماً کوچک بود اما ما فکر می‌کردیم که سوار هواپیما شده‌ایم و جیغ و داد شادمانانه توام با ترسان بر خنده‌های شاد و نظاره‌گران می‌افزود. افسران در این باشگاه «گاردن پارٹی» درست به همین اسم راه می‌انداختند من در همان جا نخستین حاجی فیروز و آتش‌افروز و به‌یادماندن‌تی از همه آنها «عروسک مبارک» را دیدم و از این‌که این عروسک‌رند خودش را جلوی ماشین شاه می‌اندازد و لودگی می‌کند و خود را به موش‌مردگی و نیمه‌جان شدن می‌زند تا سوار ماشین شاه بشود و می‌شد، هنوز از ته‌دل می‌خدم. عید آن روزها خوردند و به روستای کردستان به معنی واقعی عید بود؛ در دهات دخترکان و پسرکان سبزی را به‌شال‌های به‌هم‌گرفته دام‌شان می‌بستند و از روزنه بام خانه‌ها به پایین می‌فرستادند و خطاب به صاحبخانه می‌گفتند: هترو م‌تره «هیترو میترا» شاید، بهتون فرزند پسر بدهد؛ چیزی در سبلمان ببندازید و پس از تکرار این کار تخم‌مرغ‌ها، گردو، گدازه، کشمش‌ها را چنان چون ماندگاری‌های آسمانی چنگ می‌زدند و می‌خورند و به همراه سرنا و دهل پایکوبی می‌کردند... انگار همین دیریز بود اما برای شما که ممکن است در لحظه تحولی سال من سسرتان تو کامیپویرت باشد اینها می‌گفته‌است! اینها قصه است اما برای ما واقعیت است! پر معنا بود «گذشته» می‌رفت تا «آینده» بیاید و نفس این گذشتن ایام شکوه‌مند بود...

عشق زندگی است. شمای زمانی که تئاتر کار می‌کنید یا همه چیز و همه‌کس همراه می‌شوید و این همان عشقت است که شما را به تئاتر پیوسته می‌دارد. اما در عین حال تئاتر هم یک حرفه است و هنرمندان باید بتوانند با آن زندگی‌شان را بگذرانند. اما انقلاب این اتفاق افتد بیشتر هنرمندان تئاتر در حال این‌کار هستند تا چرخه‌های هنرمندان در حال چرخش باقی بماند. اما مگر می‌شود اقتصاد را فراموش کرد؟ اگر یک پزشک نتواند در درآمدی که از شغل‌اش به دست می‌آورد زندگی‌اش را بگذراند و خانواده‌اش را اداره کند آن می‌شود که در چه دردی می‌خورد؟! تئاتر ما این روزها در وضع مصیبت‌باری به‌سرمی‌برد که امیدوارم در سال جدید از این وضع بیرون بیاییم. امیدوارم مردم هم در سال جدید چه پشتیبان‌ها و عزیزانی را از دست ندهایم. به همین دلیل فکر می‌کنم سلامتی مهم‌ترین اصل زندگی است. امیدوارم مردم ایران سلامت و خوشبخت باشند و برکت زندگی همیشه به آنها وفا کند. برای هنرمندان تئاتر هم آرزوی توفیق آمال‌شان را دارم. تئاتر ایینه زندگی است. اگر این ایینه تاریک شود، دل هنرمند نیز تاریک می‌شود. تئاتر

پری صابری

کارگردان تئاتر



نوروز یعنی روزهای ما نو می‌شود. لباس‌های نو می‌پوشیم و با این نو شدن، نوعی نشاط به زندگی‌مان می‌آید. همه اینها در کنار هم جسته و زبسته از زمانی که به یاد دارم همه مردم ایران عید نوروز را با عشق و شادی جشن می‌گیرند. ما هم جلوی‌ای از طبیعت هستیم، همانند طبیعتی که بعد از شش‌ساعت زمستان جان تازه‌ای می‌گیرد، مستانی که در آن درختان عریان، خشک و پیرتر می‌شوند، ما هم با آمدن نوروز برای زندگی شور و نشاط دیگری پیدا می‌کنیم. نوروز به نوعی بزرگداشت زندگی انسان است. این موضوع که طبیعت هیچ‌گاه در طول زمستان از بین نمی‌رود، بلکه تنها مدتی به خواب می‌رود تا دوبار برخیزد، سر لوجه زندگی‌مان است. با آغاز بهار هر

برای همه آرزوی شادمانی، خوشبختی و سعادت دارم. احساس می‌کنم ایام نوروز زمانی است که مردم باید بیش از همیشه خوش بگذرانند، برای همین می‌خواهم تنها این توصیه را به مردم داشته باشم: تا جایی که می‌توانید خوش بگذرانید!

نوروزی راهنمایی و رانندگی پایبند باشند، نگذارند این ایام برای عده‌ای تبدیل به عزا شود. امیدوارم هنرمندان در سال جدید کارهای بیشتری انجام دهند و هیچ‌کس بدون کار نماند. سال گذشته، سال بدی نبود، اما باز هم امیدوارم سال جدید بهتر باشد. خصوصاً ما محتاج عمومی‌مان آرزوان‌تر شویم و وضع اقتصادی ما به یک ثبات برسد. سال نو را به همه تبریک می‌گویم!